


## اخلاق علم آموزی در آثار علمی و سیره عملی عالمان دینی در یکصد سال اخیر حوزه علمی قم\*

زهرا عواطفی / دکتری مدرسی معارف اسلامی

Avatef95@gmail.com

 [orcid.org/0009-0004-8740-9681](https://orcid.org/0009-0004-8740-9681)

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

### چکیده

از ورود آیت‌الله حائری به قم و تأسیس حوزه علمیّه در سال ۱۳۴۰ق تا کنون که یکصدسال از آن می‌گذرد، از منظرهای مختلف می‌توان این بازه زمانی را بررسی کرد. این پژوهش کوشیده است با توجه به این سده، اقدامات علمای حوزه علمیّه درباره اخلاق علمی را مد نظر قرار دهد. بر اساس مطالعه نظام‌مند صورت گرفته در باب آثار و سلوک علمای حوزه علمیّه قم، توجه به شئون اخلاقی در محیط علمی، رعایت احترام شاگردان، پیگیری احوال و مشکلات طلاب و رعایت ادب در گفتار و کردار از جمله موضوعاتی است که در سیره و سبک علمی آنان مشهود است. انعکاس این تلاش‌ها در چهار محور تألیفات و نگاشته‌های علما در باب اخلاق علم؛ سخنرانی‌ها و خطابه‌هایی در باب بایدها و نبایدهای اخلاقی تعلیم و تعلم؛ روش‌ها و مواجهه‌های اخلاقی علما با طلاب (سیره اخلاقی علما)؛ و فعالیت‌های فرهنگی و اخلاقی صورت گرفته در باب اخلاق علم، قابل ترسیم است. این پژوهش با تبیین تاریخی و به روش «توصیفی-تحلیلی» عهده‌دار این مهم گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** سلوک علما، سیره اخلاقی علما، تعلیم و تعلم، تألیفات علما، اخلاق علم، اخلاق دانشوری.

در تاریخ هر جامعه‌ای، دانشمندان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. این اهمیت وامدار سفارش‌های اکیدی است که از منابع قرآنی، روایی و نیز سیره اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> درباره احترام و قداست این عده به ما رسیده است. زندگی دانشمندان و حیطه‌های تأثیرگذاری آنها از ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی قابل بررسی است. بدین‌روی مقاله حاضر برآن تا به‌صورت مسئله‌محور، سبک و سیره اخلاقی علما را در مواجهه با فضای علم و علم‌آموزی در یکصد سال اخیر در حوزه‌های علمیه بررسی کند تا از قیل آن به گنجینه‌های پربها در این زمینه دست یابیم.

یافته‌های تاریخی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهد در طول تاریخ، بررسی ابعاد گوناگون زندگی علما آن‌قدر حایز اهمیت بوده که منجر به تولید «علم تراجم» شده است. این علم عبارت است از: شخصیت‌شناسی که موضوعش شخصیت راوی است (قاسمی، ۱۳۸۰، ص ۷-۸) و گاه به‌صورت عمومی و گاه به‌صورت تک‌نگاری‌ها قابل استفاده است.

از دیرباز گروهی از علمای بزرگ مذهب شیعه امامیه دست تألیف در این دانش زده‌اند. از جمله کتاب‌هایی که می‌توان در این زمینه نام برد: کتاب *آثارالرحمه یا تاریخ و دائرةالمعارف حوزه علمیه قم و گنجینه دانشمندان* اثر محمد شریف رازی در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴؛ کتاب *مفاخر اسلام* اثر محمد دوانی در سال ۱۳۷۹؛ کتاب *علمای قم* اثر ناصرالدین انصاری قمی در سال ۱۳۸۳؛ همچنین از ایشان، کتاب *اختران فقاقت (زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری)*، در سال ۱۳۸۵ و کتاب *اختران فضیلت* در سال ۱۳۸۸؛ کتاب *کلتشن ابرار: زندگی اسوه‌های علم و عمل*، اثر جمعی از محققان در سال ۱۳۸۷، کتاب *صدسالگی حوزه قم: مجموعه مقالات به مناسبت صدساله شدن حوزه علمیه قم اثر رسول جعفریان* در سال ۱۴۰۰. غیر از این کتاب‌های دائرةالمعارفی شکل، تک‌نگاری‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است که موضوع آن‌ها توجه به زندگی‌نامه و انواع فعالیت‌های یکی از علماست. مثل کتاب *حاج شیخ عباس قمی؛ مرد تقوا و فضیلت* اثر علی دوانی در سال ۱۳۵۴. اگرچه به قول برخی از پژوهشگران، ضعف بینش تاریخی موجب شده است با اینکه قریب یکصدسال از تأسیس حوزه علمیه قم می‌گذرد، کارهای درخور شأن و متناسب با این موضوع بسیار اندک باشد، اما خوشبختانه در سال‌های اخیر، مصاحبه‌های فراوانی با برخی از بازماندگان نسل نخست تربیت‌شدگان حوزه علمیه صورت گرفته است که می‌تواند منبع با ارزشی برای شناخت و تدوین تاریخ حوزه علمیه قم به‌حساب آید.

بی‌تردید شیوه زندگی بزرگان، به‌ویژه دانشمندان اسلامی که دین و دانش را به هم آمیخته و با اخلاص در این راه گام برداشته‌اند، بهترین الگو برای متصدیان امر آموزش و نیز جوانان است تا از زندگی و سیره علمی آنان، متناسب با شرایط زمان کنونی درس‌هایی فراگیرند (انصاری قمی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). این آثار می‌تواند با توجه به

جامعه هدف، برای پژوهشگران و کاربران حوزه‌های گوناگون، منابع ارزشمندی برای تحقیق و مطالعه به‌شمار آید. (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۱۶).

از این‌رو باتوجه به مسئله مد نظر و مطالعه تألیفات موجود در این بازه زمانی یکصد ساله (یعنی از زمان تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم توسط مرحوم آیت‌الله حائری تا کنون)، این پژوهش قابل به یک دسته‌بندی شده است و می‌توان سبک و سیره اخلاقی علما را در فضای تعلیم، در چهار محور دنبال کرد:

الف. تألیفات و نگاشته‌های اخلاقی در باب اخلاق علم؛

ب. خطابه و سخنرانی‌هایی در باب اخلاق علم؛

ج. گزارش‌های مربوط به سیره، روش‌ها و مواجهه اخلاقی ایشان با شاگردان (سیره اخلاقی علما)؛

د. فعالیت‌های فرهنگی حوزهٔ علمیه در باب اخلاق علمی (مثل تأسیس نهادهای علمی همچون کتابخانه‌ها، حوزه‌های علمیه و رسیدگی به معیشت طلاب).

چون مورد اخیر بیشتر ناظر به فعالیت‌های اجتماعی علماست و در مقاله‌ای مجزا بررسی خواهد شد، به اختصار به آن پرداخته شده است. از این‌رو بیشتر مباحث در سه مورد اول ارائه شده است. البته در تقسیم‌بندی کلی‌تر با توجه به اندیشه‌ها و تعالیم ایشان در حوزه اخلاق علمی و نیز نوع سلوک و عمل ایشان، فعالیت‌های آنان در دو ساحت علم و عمل قابل بررسی است، به‌گونه‌ای که در محور علمی به تألیفات و گزارش‌های مربوط به سیره و روش مواجهه اخلاقی و سخنرانی‌های آنان توجه شده و در محور عملی به فعالیت‌های فرهنگی و اخلاقی (همچون اقدامات زیرساختی مثل تأسیس حوزه علمیه، کتابخانه‌ها و رسیدگی به امور طلاب و خانواده‌های آنان) پرداخته شده است.

## ۱. تألیفات و نگاشته‌های علما در باب اخلاق علم

با مطالعه منابع و تراجم موجود، می‌توان نتایج حاصل شده را این‌گونه گزارش داد که در یکصدسال اخیر، علما اقدامات مناسبی برای تعالی و رشد حوزه‌های علمیه و طلاب انجام داده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها توجه به تهذیب اخلاق و رفتار طلاب علوم دینی است. از همین‌رو کتاب‌های زیادی در زمینه خودسازی و تهذیب نفس نگاشته شده است. اما چون این مقاله در پی پیشنهاد عام حوزه نیست، در رابطه با پیشینه خاص، یافته‌ها حاکی از آن است که تألیفات در این زمینه بسیار اندک و ناچیز است. با وجود این از جمله دغدغه‌های مهم متولیان حوزه‌های علمیه این بوده که به این مهم توجه نشان دهند. مطالعه عمل و رفتار علما از اهمیت و ضرورت این مسئله پرده برمی‌دارد.

با این وجود مطابق مطالعات انجام‌شده در این حوزه می‌توان گفت: تألیفات ناظر به اخلاق علم در دو بخش قابل پیگیری است: نخست کتاب‌هایی که بخشی از آن به اخلاق دانشوری اختصاص یافته است، نه همه کتاب‌ها؛ دوم کتاب‌هایی که موضوع آن صرفاً اخلاق دانشوری است که تعداد آنها بسیار ناچیز است.

در ادامه، فهرستی از این کتاب‌ها گزارش خواهد شد و در انتها برای نمونه، بخش‌هایی از مطالب مربوط به اخلاق دانشوری موجود در این کتاب‌ها ذکر خواهد گردید:

- *درد بی‌درمان یا بدبختی‌های اجتماع*، میرزامهدی بروجردی (۱۳۰۰ق):

- *۷۲ روز در قم*، مهدی سراج انصاری (۱۳۱۲ق):

- رساله‌ای در *فضیلت علم*، عباسعلی ادیب (۱۳۱۵ق):

- *ارشاد المعلمین*، محسن بی‌نا (۱۳۲۹ق) (انصاری قمی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۹۹-۱۰۰):

- *اسرار عقب‌ماندگی شرق*، ناصر مکارم شیرازی (۱۳۴۴ق):

- *روش آموزش و پرورش در اسلام*، عباس طواری یزدی (۱۳۴۸ق) (شریف رازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۱۴-

۲۱۵: انصاری قمی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۵۲۷-۵۲۸):

- *اخلاق آموزشی*، محمدمهدی تاج لنگرودی (۱۳۴۹ق) (انصاری قمی، ج ۳، ص ۲۳۱-۲۳۳):

- رساله‌ای در *فضیلت علم و آداب تعلیم و تعلم*، سیدمحمد فیروزآبادی (۱۳۴۹ق) (انصاری قمی، ۱۳۹۲، ج ۲،

ص ۵۴۳-۵۴۴):

- *علم و عمل ایمانی (۲۲ گفتار در شناخت ابعاد کاربردی دین)*، محمدرضا مهدوی‌کنی (۱۳۵۰ق) (همان،

ج ۱، ص ۹۹۱-۹۹۳):

- *نقش علمای اسلامی در تطور علوم جهانی*، بحیی نوری (۱۳۵۱ق) (همان، ج ۱، ص ۸۷۹-۸۸۱):

- *سعادت الأفاق در علم اخلاق*، سیدیونس عرفانی (۱۳۴۹ق):

- *روش آموزش و پرورش در اسلام*، سیدیونس عرفانی (۱۳۴۹ق):

- *اخلاق انسانی در علم اخلاق*، سیدیونس عرفانی (۱۳۴۹ق):

- *علم و عمل یا دانش و کردار*، سیدابوالقاسم مولانا (۱۳۵۳ق) (همان، ج ۲، ص ۷۳۵-۷۳۶: شریف رازی،

۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۱۴-۲۱۵):

- *مشعل فروزان دانش و تقوی: امام محمدباقر*، بزرگ عالمزاده (۱۳۵۶ق) (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ج ۱،

ص ۶۱۶-۶۱۸):

- *برتر از خون شهید (احادیثی در فضیلت علم و عالم)*، حسین انصاریان (۱۳۶۳ق):

- *اسلام و علم و دانش*، حسین انصاریان (۱۳۶۳ق) (شریف رازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۹۴-۹۶):

- *استاد و درس (روش تدریس، ادبیات و هنر نقد)* در دو جلد، علی صفایی حائری (۱۳۷۰ق):

- *اخلاق علمی*، عباس عبیری (۱۳۸۱ق).

نخستین کتاب انتخابی که بخش‌هایی از مطالب آن درباره «اخلاق علم» بیان می‌گردد، کتاب *درد بی‌درمان یا*

*بدبختی‌های اجتماع*، اثر مرحوم میرزامهدی بروجردی (۱۳۰۰ق) است. در عنوان سوم این کتاب به تفصیل به

دردهای بی‌درمان فضای علمی و مشکلاتی که طلاب علوم دینی در حوزه‌های علمیه با آن مواجهند، پرداخته و با بیان راهکارها و پیشنهاداتی سعی در جهت حل آنها دارد؛ مثلاً، نگارنده در بخشی از کتاب، یکی از مهم‌ترین وظایف رئیس حوزه علمیه را رسیدگی به گرفتاری‌های طلاب می‌داند. از نظر ایشان این کار موجب می‌شود نقش الگویی رئیس و یا استاد حفظ گردد؛ زیرا آنها درواقع او دینی مردم است. از این رو باید از همه لحاظ، به‌ویژه در حوزه علم، برای آنها الگوی مناسبی باشد.

نکته مهم دیگری که بدان اشاره می‌کند توجه به ذومراتب بودن استعدادها و اصل «تناسب» است؛ زیرا همه طلاب در یک سطح نیستند و قابلیت‌های متفاوتی دارند. از این رو بر استادان لازم است متناسب با سطح درک و فهم طلاب به آنها آموزش دهند و در همین زمینه استعدادهایشان را شکوفا سازند (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۳).

یکی دیگر از مسائلی که ایشان بدان اشاره می‌کند، بحث تخصص داشتن طلاب علوم دینی است. ایشان در این باره بیان می‌دارد: غیر از فاضل بودن، عالم بودن نیز مهم است. از این رو تخصص و توانمندی علمی نیز یکی از مؤلفه‌های اخلاق علمی است.

در بخش دیگری از مطالب کتاب ایشان به معضل مهمی اشاره می‌کند و آن برگزار نشدن کلاس‌های اخلاق در حوزه‌های علمیه است. مسئله اخلاق برای طلاب یکی از واجبات مهم به حساب می‌آید. ایشان معتقد است: در کنار درس، معرفت نیز باید حاصل گردد؛ زیرا نتیجه غفلت از این امر، خروجی‌هایی است که از تربیت اخلاقی به‌دور و در انظار عموم، فاقد اعتبار و ارزش هستند.

بی‌تردید عدم سلامت اخلاقی - آن هم از سوی این طبقه - آسیب‌های جبران‌ناپذیری را نه‌تنها برای جامعه علمی، بلکه کل جامعه به وجود می‌آورد. ایشان نتیجه کثرت‌تاری‌های اخلاقی را تنفر و انزجار می‌داند، ولو عامل فرد به‌ظاهر دانا و فاضلی باشد.

نکته دیگری که بدان اشاره کرده این است که صرف شنیدن پندها و توصیه‌های اخلاقی کافی نیست؛ زیرا بر این باور است درسی که بر آگاهی مخاطب نیفزاید و در نتیجه پای او را به مقام عمل نکشاند و تأثیری در وی نداشته باشد، بیهوده است (همان، ص ۱۳۵-۱۳۶).

وی همچنین از ساختمان‌های نمود و مخروبه حوزه علمیه و شلوغی آنها نیز سخن به میان آورده است. کتاب منتخب دیگر گزارش‌نامه‌ای با عنوان **۱۲ روز در قم**، اثر مرحوم حاج‌مهدی سراج‌انصاری (۱۳۱۲ق) است. ایشان در بخشی از این گزارش آورده است: اصولاً در تحصیل علوم دینی هیچ قید و مانعی برای ترقی و تکامل وجود ندارد و برنامه‌ای که استعداد فطری شاگردان را محدود کند در میان نیست، بلکه هرکس می‌تواند از ابتدا وارد تحصیل علوم دینی شود و آزادانه تحصیل کند. تدریس متفکرانه بر آزادی فهم استوار است و طلبه را از پذیرش تقلیدی و کورکورانه بودن برحذر می‌دارد.

مسئله دیگری که ایشان آن را از امتیازات حوزه علمیه قلمداد کرده توجه به معنویات و امور دینی است که موجب می‌شود هم استادان و هم طلاب نسبت به رعایت مسائل اخلاقی متعهدتر باشند (همان، ج ۲، ص ۵۵۰-۵۵۵).

در کنار امتیازات، ایشان به نقاط ضعف نیز اشاره داشته است که متناسب با مسئله پژوهش، به برخی از این موارد اشاره خواهیم شد:

اول. پیروی از فرهنگ غرب در تمام حوزه‌ها، از جمله حوزه علوم و فرهنگ؛ ایشان نتیجه چنین تقلیدی را تنزل فرهنگ و دانش می‌داند. درواقع ایشان بر این باور است که باید خودباوری را در تمام جامعه، به‌ویژه حوزه علم و فرهنگ مد نظر قرار داد. توجه به «عرق ملی» و تدوین دروس بر اساس ذات‌ه ایرانی-اسلامی نیز از دیگر مؤلفه‌های اخلاق علمی است که مد نظر ایشان قرار گرفته است (همان، ج ۲، ص ۵۷۱-۵۷۲).

دوم ایشان گوشزد می‌کند که درس‌های اخلاق در حوزه کافی نیست. اگرچه این مشکل ممکن است با تدریس تفسیر قرآن مرتفع شود (همان، ج ۱، ص ۵۷۳-۵۸۹)، آن هم وقتی هنگام تفسیر آیات، بخش اخلاقی مد نظر استاد قرار می‌گیرد. ولی چون مسائل اخلاقی به‌صورت مستقل، در روحیه طلاب تأثیر مهمی دارد و تهذیب نفس و مراقبت اعمال، احتیاج مبرمی به یک سلسله راهنمایی‌های جداگانه دارد، تحصیل علم اخلاق برای محصلان علوم دینی ضروری است. ایشان همچنین تذکر می‌دهد که مراد از تحصیل اخلاق، تنها خواندن کتاب‌های **اخلاق ناصری**، **معراج السعاده**، **جامع السعاده** و یا **احیاء العلوم** و نظایر آنها نیست، بلکه مراقبت به اعمال و مواظبت در تزکیه نفس است که بزرگ‌ترین جهاد در اسلام به‌شمار می‌رود.

ایشان معتقد است: اگر اخلاق نباشد تحصیل علوم دینی، نه‌تنها برای محصلان مفید نیست، بلکه مضر هم هست! (همان، ج ۲، ص ۵۸۹-۵۹۲).

در همین زمینه، حاج‌آقا رحیم ارباب (۱۳۹۷-۱۳۹۶ق) معتقد است:

اخلاق علم حال است؛ یعنی اخلاق چیزی نیست که با شرکت در کلاس اخلاق، یا خواندن کتاب‌های اخلاقی بتوان به آن دست یافت، بلکه باید تهذیب نفس نمود (ریاحی، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

پس متصدیان حوزه علمیه باید نسبت به این موضوع توجه بیشتری مبذول دارند و درس اخلاق را که در سابق، معمول بوده و امروز متروک شده، رواج دهند و آن را در برنامه‌های تحصیلی بگنجانند و برای تهذیب اخلاق طلاب بکوشند (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۵۹۳؛ ج ۲، ص ۵۹۲-۵۸۹).

کتاب دیگر کتاب **اسرار عقب‌ماندگی ثنوق**، از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (۱۳۴۴ق) است. ایشان در فصل بیست، ضمن اشاره به سختی‌ها و مشقت‌های یک جامعه استعمارزده می‌نویسد:

یکی از اقدامات مناسب در این راستا، مبارزه پیگیر با فرار مغزهاست. برای این کار باید دانشگاه‌ها را توسعه داد و دیگر وسایل دلگرمی تحصیل‌کرده‌ها را فراهم ساخت و از دوران دبستان، اصول اخلاق و ایمان و علاقه به خاک را به آنها تعلیم داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۶۱).

## ۲. سخنرانی‌ها و خطابه‌های علما در باب اخلاق علم

با اینکه می‌توان خطابه‌ها و نقل و قول‌های علما را ذیل سیره اخلاقی آنان پی‌گرفت، اما به سبب اهمیت موضوع و ضرورت پرداختن به آن، لازم می‌نماید این موضوع به صورت مجزا بررسی گردد. بی‌شک، بیشتر علما و استادان حوزه‌های علمیه در سخنرانی‌ها و مجالس درس خود به بایدها و نبایدهای اخلاق علم توجه داشته و به آن توصیه کرده‌اند. شواهد تاریخی موجود، اعم از شفاهی و مکتوب این مسئله را تأیید می‌کند که بیشتر علما بخش قابل توجهی از ساعات کلاس خود را به مباحث اخلاقی می‌پرداخته‌اند و خود و همه طلاب را به رعایت آن در تمام ابعاد توصیه می‌کرده‌اند.

جلسات درس آیات و حجج اسلام در ذیل، نمونه‌ای از ده‌ها کلاس اخلاقی است که برگزار می‌شده است: *آیت‌الله سیدحسین طباطبائی بروجردی (۱۲۹۲ق)*، حضرت امام خمینی (۱۳۱۹ق)، *آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب (۱۳۳۲ق)*، علامه محمد حسین طباطبائی (۱۳۵۰)، *آیت‌الله میرزاعبدالکریم حق شناس (۱۳۳۸ق)*، *آیت‌الله شهید مرتضی مطهری (۱۳۳۸ق)*، *آیت‌الله علی مشکینی (۱۳۳۹ق)*، *آیت‌الله علی‌پناه اشتهاردی (۱۳۴۰ق)*، *آیت‌الله احمد مجتهدی (۱۳۴۱ق)*، *آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (۱۳۴۴ق)*، *آیت‌الله محمدتقی جعفری (۱۳۴۴ق)*، *آیت‌الله عزیزالله خوشوقت (۱۳۴۴ق)*، *آیت‌الله حسین شب‌زنده‌دار (۱۳۴۷ق)*، *آیت‌الله محیی‌الدین حائری شیرازی (۱۳۵۴ق)*، *آیت‌الله سیدحسین شمس (۱۳۴۵ق)*، *شهید آیت‌الله علی قدوسی (۱۳۴۶ق)*، *آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی (۱۳۴۹ق)*، *آیت‌الله عبدالله جوادی آملی (۱۳۵۱ق)*، *آیت‌الله حسین مظاهری (۱۳۵۱ق)*، *آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی (۱۳۵۲ق)*، *آیت‌الله سیدمحمد ضیاءآبادی (۱۳۵۴ق)*، *آیت‌الله سیدعلی اصغر هاشمی علیا (۱۳۵۴ق)*، *آیت‌الله رضا استادی (۱۳۵۶ق)*، *آیت‌الله آقامجتبی تهرانی (۱۳۵۶ق)*، *آیت‌الله محمدعلی جاودان (۱۳۶۸ق)*، *آیت‌الله کاظم صدیقی (۱۳۷۰ق)*، *آیت‌الله محمدباقر تحریری (۱۳۷۴ق)*، *آیت‌الله محمد مهدی شمس‌الدین (۱۳۵۳ق)*، و *حجت‌الاسلام محسن قرائتی (۱۳۶۴ق)*.

در ادامه برای نمونه، به بیان صریح برخی از این بزرگواران درباره اخلاق علم اشاره خواهیم کرد:

### ۱-۲. امام خمینی

*امام خمینی (۱۳۱۹ق)* از جمله کسانی بود که مسائل اخلاقی و رعایت آنها، به‌ویژه در حوزه علم، برایش بسیار اهمیت داشت و بارها آن را در سخنرانی‌های خود عنوان کرد. آقای *رسول سعادت‌مند* در کتابی تمام مطالب مربوط به این بحث را با عنوان *آیین دانشوری در سیره امام خمینی* گرد آورده است. ایشان در جایی می‌گوید:

اگر شما درس بخوانید ممکن است عالم شوید، ولی باید بدانید که میان مذهب و عالم خیلی فاصله است. هرچه این مفاهیم در قلب سیاه و غیرمذهب انباشته گردد، حجاب زیادتر می‌شود. در نفسی که مذهب نشده، علم حجاب ظلمانی است. علم نور است، ولی در دل سیاه، دامنه ظلمت و سیاهی را گسترده‌تر می‌سازد (مختاری،

همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

استاد اخلاق برای خود معین‌نماید. جلسه وعظ و خطابه و پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مهذب شد. اگر حوزه‌ها همین‌طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، حکومت به فنا خواهد رفت. چطور شد علم فقه و اصول به مدرّس نیاز دارد، درس و بحث می‌خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد لازم است، لکن علوم معنوی و اخلاقی به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می‌گردد؟ (همان)

در همین زمینه *آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس* می‌گوید: از امام بارها شنیده‌ام که علم اخلاق سرآغاز تمام علوم است، حتی علم خداشناسی که تعبیر به «آیه محکمه» شده است، اگر در کنارش آن علم نباشد، ظلمت است و حجاب. حضرت امام می‌فرمودند:

چه شده است که برای تدریس هر علم ساعتی مقرر شد، و لکن آن علم که ابقای سایر علوم منوط به آن است، فرصتی برای آن گذاشته نشده است؟

از این‌رو خود ایشان برای تحقق این امر، از همان ابتدا به این سخن لباس عمل پوشاندند و با حضور در «مدرسه فیضیه» وجود عزیزشان را وقف خدمت به طلاب و مردم کردند (سعادت‌مند، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

## ۲-۲. آیت‌الله مکارم شیرازی

در این زمینه می‌توان به بیانات *آیت‌الله مکارم شیرازی* نیز اشاره کرد. در مصاحبه‌ای با *آیت‌الله محمدتقی جعفری* (۱۳۴۴ق) نیز ایشان به این مهم اشاره کرده است (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۰۶ و ۲۲۰-۲۲۱). همچنین *آیت‌الله سیدحسین شمس* (بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۲) و *آیت‌الله جوادی آملی* بر این مهم تأکید دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳).

ایشان معتقدند در نظام دینی، فراگیری دانش مطلوبیت ذاتی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۶۶۶). به صرف عالم شدن، سعادت حقیقی انسان تأمین نمی‌شود؛ چه فراوان‌اند عالمان و اندیشمندی که علم خود را در جهت توسعه فساد و تأمین خواسته‌های شیطانی خود و دیگران به کار می‌گیرند (شریفی، ۱۳۸۸، ص ۳۷).

*آیت‌الله رضا استادی* (استادی، سخنرانی در جمع طلاب مدرسه علمیه معصومیه قم، ۱۳۹۸/۵/۵) و *حجت‌الاسلام قرآنتی* نیز بر اهمیت و جایگاه اخلاق در سلوک علمی طلاب تأکید دارند (قرآنتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۰۵).

## ۳. سیره اخلاقی علما در معاشرت با شاگردان

جدای از تألیفات و ارائه دیدگاه علما در خصوص رعایت اخلاق در فضای تعلیم و تعلم، سیره ایشان در معاشرت با شاگردان نیز می‌تواند منبعی غنی در توسعه و ترویج اخلاق علم به شمار آید؛ زیرا یکی از بهترین شیوه‌های تربیتی، معرفی الگوهاست (همان، ص ۳۴۵). زندگی علما، سبک و سیره آنها نمونه کاملی از این الگوهاست که می‌تواند در ابعاد گوناگون مد نظر قرار گیرد. چون هدف این پژوهش بیان سیره و روش اخلاقی علما در مواجهه با شاگردان در فضای علمی است، سعی شده است به‌صورت منتخب، به برخی از موارد قابل توجه اشاره می‌شود:



### ۱-۳. اخلاص

یکی از ویژگی‌های ممتاز و مورد توجه علما داشتن اخلاص در عمل است. این مسئله آن‌قدر حایز اهمیت بوده که جزو اصول اولیه در کار و عمل به حساب می‌آمده است.

#### ۱-۱-۳. آیت‌الله سیدحسین طباطبائی بروجردی

نقل است چند روز پیش از فوت آیت‌الله سیدحسین طباطبائی بروجردی، عده‌ای خدمت ایشان رسیدند و آقا را بسیار ناراحت دیدند. آقا با ناراحتی فرمود: «خلاصه عمر ما گذشت و ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش ببریم و عمل بالارزشی انجام دهیم!»

یک تن از حاضران با شنیدن سخن آقا گفت: آقا شما دیگر چرا؟! ما بیچاره‌ها باید این را بگوییم، شما چرا؟! بحمدالله، شما این همه آثار خیر از خود باقی گذاشته‌اید؛ این همه شاگرد تربیت کرده‌اید؛ این همه کتاب از خود به یادگار نهاده‌اید؛ مسجدی با این عظمت ساخته‌اید و مدرسه‌های بسیاری در جاهای گوناگون بنا کرده‌اید.

وقتی سخن آن شخص به پایان رسید، آیت‌الله بروجردی جمله‌ای فرمود که به ظاهر، حدیث قدسی بود. (مختاری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳؛ دوانی، ۱۳۵۴، ص ۴۹-۴۸) ایشان فرمود: «أَخْلَصَ الْعَمَلُ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ بَصِيرٌ»؛ عمل را باید خالص انجام داد. ناقد بسیار خبره است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۱) تو خیال کردی اینها که در منطق مردم به این شکل است، حتماً در پیشگاه الهی هم این‌طور است که پیش تو هست؟! (مختاری، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳؛ دوانی، ۱۳۵۴، ص ۴۸-۴۹).

#### ۲-۱-۳. حاج شیخ عباس قمی

همچنین نقل شده است مرحوم حاج شیخ عباس قمی (۱۲۹۴ق) کتابی ارزشمند به نام *منازل الآخرة* نوشته بود که واعظی به نام شیخ عبدالرزاق مسئله‌گو هر روز پیش از ظهر در حرم حضرت معصومه علیها السلام از روی این کتاب برای مردم می‌خواند و مردم، به‌ویژه کربلایی محمدرضا، پدر حاج شیخ عباس قمی از این مطالب لذت می‌بردند.

یک روز کربلایی محمدرضا به خانه آمد و به حاج شیخ عباس گفت: ای کاش تو نیز مثل این واعظ بودی، می‌توانستی به منبر بروی و این کتاب را بخوانی.

حاج شیخ عباس قمی می‌گوید:

چند بار تصمیم گرفتم به پدرم بگویم: این کتاب نوشته خود من است، ولی هر بار از گفتن حقیقت خودداری کردم و چیزی نگفتم و فقط به ایشان عرض کردم: دعا بفرمایید که خداوند به من نیز توفیق عنایت فرماید (دوانی، ۱۳۵۴، ص ۴۹-۴۸).

#### ۳-۱-۳. آیت‌الله آقانجفی قوچانی

آیت‌الله آقانجفی قوچانی (۱۲۹۵ق) نیز معتقد بود:

طلبه باید درس را «الله» و برای خدا بخواند، به گونه‌ای که هدف آن دستگیری و هدایت و ارشاد جهّال باشد، والا اگر به دنبال مال و ریاست و این گونه موارد باشد، همان بهتر که خود را به زحمت نیندازد؛ چراکه از نظر ایشان این طور اشخاص، دین فروش و راهزنند. لذا باید حتی الامکان دست آنها را کوتاه کرد و به این طایفه نباید چیز آموخت که سلاح به دست دزد و دشمن دین دادن است (نجفی قوچانی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۴).

## ۲-۳. حفظ شئونات طلبگی

در خاطرات طلبه‌ها، مکرر از سختگیری‌های میرزاهمدی بروجردی نسبت به طلبه‌ها سخن به میان آمده است. جنس این سختگیری‌ها رعایت همه‌جانبه شئون طلبگی در آن وقت بوده است. این شئون در پوشش لباس، انجام کارهای خلاف مروت و نیز عدم استفاده از مظاهر تجدد، حتی در موردی مثل پوشیدن گالش بوده است (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۴).

## ۱-۲-۳. حاج میرزاهمدی بروجردی

برای نمونه، از قول آیت‌الله بهجت نقل شده است که آقای شیخی می‌گفت: در خیابان قم، در دستم بستنی یا نان بود و مشغول خوردن مقداری از آن بودم که آقای حاج میرزاهمدی بروجردی (۱۲۵۹-۱۳۰۰ق) را دیدم؛ به من گفت: «مگر طلبه نیستی؟» گفتم چرا. گفت: پس چرا اینجا نان می‌خوری؟ گفتم: مگر نان خوردن حرام است؟ گفت: نان خوردن در خیابان برای شما شرعاً حرام نیست، ولی عرفاً اشکال دارد. اگر در برابر چشمان مردم این کار را بکنی، دیگر سخن شما را قبول نمی‌کنند، می‌گویند: تو که موعظه می‌کنی، همان شخصی هستی که فلان کار را می‌کری! (رخشاد، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۸).

## ۳-۳. نظارت‌های اخلاقی و علمی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (۱۲۶۷ق) توجه به تهذیب و اخلاق طلاب بود. ایشان معتقد بود: طلاب باید داری سه پایه فضیلت باشند که عبارت است از: علم، پاکی و اخلاق نیک. از این رو طلابی که دچار انحرافات اخلاقی می‌شدند، شهریه‌هایشان را قطع می‌کرد و می‌فرمود: «مایل نیستم در حوزه بماند، ولو خوب هم تحصیل نماید». نقل شده است: روزی طلبه‌ای را نزد ایشان آوردند که دزدی کرده بود. وی با شنیدن این خبر فرمود: «او این لباس را نیز از ما دزدیده است؛ او طلبه نیست» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷).

توجه به نکات اخلاقی و ملزم بودن به آن از سوی خود علما، رویه بیشتر کلاس‌های درس در حوزه علمیه بوده است. درباره نظارت علمی بر درس طلبه‌ها نقل شده است: وقتی صدای نعلین میرزا مهدی بروجردی در راهروی مدرسه فیضیه شنیده می‌شد، همه طلبه‌ها به داخل حجره‌هایشان می‌رفتند و مشغول مطالعه می‌شدند. (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۷).

حاج آقارضا زنجانی نقل می‌کند: یک بار به طلبه‌ای که سواد نداشت، صفر دادیم. فردا دیدم آن صفر تبدیل به ده شده است. پرسیدم: چه کسی این کار را کرده است؟ گفتند: آسیدمحمدتقی خوانساری. علت را از خود ایشان

پرسیدم. در جواب گفت: اگر ما این کار را نکنیم، اینها مشمول می‌شوند و آنها را به سربازی می‌برند و اگر در جنگ کشته شوند، ما مسئول هستیم. گفتم: اگر این‌گونه است، یک توپ پارچه تهیه کنید و کنار دروازه شهر بایستید و هر کس می‌خواهد وارد شود، مقداری پارچه دور سرش بپیچید تا مشمول نشود! طلبه باید سواد داشته باشد. طلبه‌ای که سواد ندارد طلبه نیست. (شبیبری زنجانی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۵۰۰-۵۰۱).

#### ۳-۴. فروتنی و تواضع

یکی از ویژگی‌های برجسته علما، فروتنی آنهاست. این تواضع گاهی در برابر سایر علما و استادان بود و گاهی در برابر طلاب. مطالعه زندگی و سبک و سیره علمی علما گواه همین مطلب است.

##### ۱-۳-۴. آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب

نقل شده است: آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب (۱۲۴۱-۱۲۷۳ق) در نخستین روزهایی که آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری درس خود را شروع کرده بود، معظم له رو به شاگردان خود کرد و فرمود: ما سال‌هاست اهم و مهم را به شما درس می‌دهیم. در حال حاضر، حضور در درس آیت‌الله حائری اهم است. برخیزید و در درس ایشان حاضر شوید! پس از این فرمایش همه کلاس رفتند، بجز دو تن از فرزندان؛ ولی معظم له از آنان نیز خواست که در درس آیت‌الله حائری حاضر شوند (انصاری قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۶).

##### ۲-۳-۴. آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی

آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی (۱۲۵۱-۱۳۲۸ش) از استادان بزرگ درس خارج فقه و اصول بود. در وصف ایشان نقل شده است: گاهی به طلبه‌های مبتدی نیز درس می‌داد و از این کار ابایی نداشت. امام خمینی<sup>ع</sup> نقل می‌کند: روزی یکی از طلبه‌ها که تنها مدت کمی در حوزه علمیه تحصیل کرده بود، نزد آیت‌الله شاه‌آبادی آمد و از ایشان خواهش کرد که هر روز یک درس «حاشیه ملاعبدالله» برای او تدریس کند. این درس یکی از درس‌های مقدماتی حوزه است و استادان زیادی می‌توانستند آن را تدریس کنند. اما با این حال، آیت‌الله شاه‌آبادی که نمی‌خواست حتی یک نفر هم از او رنجیده‌خاطر شود، پذیرفت که برای او نیز هر روز یک درس تدریس کند.

امام خمینی<sup>ع</sup> بیان می‌کند: برای اینکه این طلبه را از این کار منصرف کنیم و او را به دیگر استادان حوزه ارجاع دهیم، با او صحبت کردیم و به او وعده دادیم که بهترین استادان حوزه علمیه قم را به شما معرفی می‌کنیم، ولی این صحبت‌ها بی‌فایده بود و طلبه اصرار داشت که تنها ایشان باید درس بدهد. امام راحل نقل می‌کند که بعد از این ماجرا تصمیم گرفتیم از راه دیگری وارد شویم و نزد خود آقای شاه‌آبادی برویم و ایشان را به این امر متقاعد سازیم، ولی وقتی با کلی مقدمه صحبت‌های ما را شنید، مکث کوتاهی کرد و فرمود: «روح‌الله! انسانی از من تقاضای کرده است و من در حد امکانم تقاضایشان را برآورده می‌کنم» (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۰).

### ۳-۴-۳. آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم دانش آشتیانی

درباره شیخ ابوالقاسم آشتیانی (۱۳۲۹-۱۳۸۰) آمده است: با اینکه ایشان مقام علمی بالایی داشت و از روزگار جوانی به مرتبه اجتهاد و استنباط رسیده بود، هیچ‌گاه اظهار نمی‌کرد و اگر ساعت‌ها در محضرش می‌نشستی، کلامی که نشانه اظهار شخصیت و خودستایی باشد، از ایشان شنیده نمی‌شد و معمولاً نظر دیگران را نقل می‌کرد.

حضرت آیت‌الله موسی شبیری زنجانی درباره تواضع آن مرحوم می‌فرماید:

«زکات» لعه را پیش مرحوم آیت‌الله حاج‌شیخ ابوالقاسم دانش آشتیانی می‌خواندم. روزی بحث به جایی رسید که مقداری دقیق بود. ایشان خیلی راحت فرمود: اینجا را من نمی‌دانم. شما از آقای والدتان [مرحوم آیت‌الله سیداحمد زنجانی] بپرسید. این برخورد برای من خیلی جالب بود (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۸۹).

### ۳-۴-۵. آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری قمی

درباره آیت‌الله انصاری شیخ مرتضی قمی (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق) نیز نقل شده است: سالی ایشان در ماه مبارک رمضان در نجف اشرف در «مسجد شیخ انصاری» به منبر می‌رفت. آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی هم شب‌ها در «مسجد خضراء» درس می‌گفت. شاگردان آیت‌الله خوئی به ایشان گفتند: آقا! درس را کمی زودتر تعطیل کنید تا به منبر آقای انصاری هم برسیم. ایشان می‌پرسد: مگر آقای انصاری در منبر چه می‌گوید که شما می‌خواهید از درس من کم کنید؟ آنها در پاسخ گفتند: آقا! منبر ایشان گفتنی نیست، دیدنی است. ایشان هم شبی درس را زودتر تعطیل کرد و در مجلس آقای انصاری حاضر شد و از کثرت نقل در شگفت آمد و فرمود: آری! شما حق دارید؛ این مجلس خیلی قابل استفاده است و از آن روز به بعد، هر شب درس را کمی زودتر تعطیل می‌کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۳۹).

### ۳-۴-۶. آیت‌الله شهید مرتضی مطهری

نمونه بارز تواضع در برابر شاگرد را می‌توان در این حکایت مشاهده کرد. وقتی شهید مطهری (۱۳۳۷ق) در رشته «معقول» دانشکده علوم معقول و منقول شرکت کرد و در امتحانات کتبی قبول شد، در جلسه امتحان شفاهی، آقای راشد به ایشان گفت:

آقای مطهری! ما دیگران را با بحث‌های خودمان امتحان می‌کنیم، ولی شما را با یک بحث تفالی امتحان می‌کنیم.

آن‌گاه کتاب *منظومه ملاحدهای سبزواری* را باز کرده، از آقای مطهری سؤال می‌کند. ایشان نیز با تسلط کامل بحث را از *منظومه به اشارات* و از *اشارات* به *اسفار* برده و به تجزیه و شرح آن می‌پردازد. در اینجا آقای راشد با شگفتی و لبخند به ایشان می‌گوید: «صبر کن! ما از بیست بالاتر نداریم، این نمره بیست! حالا مطلب را ادامه بده تا ما استفاده کنیم».

وقتی شهید مطهری توضیحات را به پایان می‌رساند، استادان ممتحن او را تشویق می‌کنند و آقای راشد هم

دوبار چنین می‌فرماید: «واقعا بهره بردم» (سیدناصری و ستوده، ۱۳۷۸، ص ۸۵-۸۶).

از دیگر مؤلفه‌های بارز اخلاقی علما، سعه‌صدر و صبوری آنها در کار تعلیم و تعلم است.

### ۱-۳-۵. آیت‌الله سید حسین بروجردی

در وصف آیت‌الله سید حسین بروجردی (۱۲۹۲ق) نوشته‌اند: عمر ایشان با اینکه بیش از هشتاد سال بود و عادتاً در این سن، تعلیم و تربیت دشوار است، همه روزه برای محصلان علوم دینی یک ساعت خارج درس فقه می‌گفت و بیش از ششصد تن در مجلس درس ایشان حاضر می‌شدند که بیشتر آنها مجتهد و دارای قوه استنباط بودند. ایشان با آن همه ضعف بنیه و سختی کهولت، بسیار علاقه داشت که شاگردانش به مقامات بالاتری از علوم دینی ارتقا یابند. ایشان گاهی در وسط درس، شاگردان خود را نصیحت می‌کرد. مانند بعضی از استادان تند و مسلسل‌وار درس نمی‌گفت، بلکه شمرده و با آهنگی مطبوع درس را ارائه می‌داد و اگر یکی از شاگردان نسبت به موضوع عنوان‌شده، اعتراض داشت، معظّم له با اینکه قدری سنگینی گوش داشت، دستش را کنار گوش خود می‌گذاشت و تا آخرین کلمات معترض را گوش می‌داد، سپس جواب او را با نرمی می‌داد. کمتر دیده می‌شد که ایشان برای اعتراض معترضان عصبانی شود. این در حالی است که گاهی برخی استادان هنگام اعتراض شاگرد، عصبانی می‌شوند و حتی ممکن است با کلمات زنده معترض را خجل کنند؛ ولی ایشان مانند پدری مهربان، پاسخ اعتراض بسیار ملایم و مؤدبانه بیان می‌کرد (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۶۰۳).

گاهی هم که در محافل علمی از سخن کسی عصبانی می‌شد و او را عتاب می‌کرد، به شدت متأثر می‌شد، به گونه‌ای که تا رضایت او را جلب نمی‌کرد، آرام نمی‌گرفت و به او می‌گفت: «از من بگذر! مرا عفو کن!» (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۷۱).

یکی از علما می‌گوید: در ابتدا مرحوم آیت‌الله بروجردی گاهی ناراحت می‌شد و بر سر شاگردان خود فریاد می‌کشید. یک روز با خدای خود عهد کرد که اگر عصبانی شد، یک سال به‌عنوان کفاره این عصبانیت، روزه بگیرد. یک روز به علت مسئله‌ای که پیش آمد، بر سر یکی از طلاب فریاد زد. به سرعت پیمانش را به یاد آورد و به‌دنبال آن، یک سال بجز دو روز عید قربان و فطر - که روزه در آنها حرام است - روزه گرفت (غیائی کرمانی، ۱۳۸۵، ص ۳۶؛ خاتمی، ۱۳۸۳، ص ۱۹).

### ۲-۳-۵. شیخ بهاء‌الدین محلاتی

درباره شیخ بهاء‌الدین محلاتی (۱۳۱۴ق) نیز نقل کرده‌اند: به افکار دیگران، اگرچه مخالف نظرات او بود، احترام می‌گذاشت و با همه آنها با سعه‌صدر رفتار می‌کرد. ایشان بر این باور بود که اگر فرهنگ جامعه که به دست معلمان و دبیران است، اصلاح شود، بقیه ارکان جامعه از آسیب مصون خواهد ماند. بنابراین با این قشر زحمتکش ارتباط برقرار نمود و در جمع آنان، هفته‌ای چند جلسه درس عقاید اسلامی استدلالی به سبک روز شروع کرد و با حوصله و دقت کامل به پرسش‌های آنان گوش می‌داد و سپس با درایت تمام پاسخ می‌گفت.

این جلسات آثار خود را به‌زودی آشکار ساخت و موجی از اسلام‌گرایی در محیط فرهنگ به‌وجود آورد و جوانان پرشور مذهبی، هویت دینی و راه سعادت را یافتند و فرهنگ منحنی‌شاهی را رها کرده، در شاهراه هدایت گام نهادند. درخواست و اصرار عده‌ای بر چاپ این مباحث، منجر به انتشار کتاب **راهنمای حق** شد (حوزه علمیه، ۱۳۶۷، ص ۱۳۴-۱۳۵).

### ۳-۵-۳. علامه سیدمحمدحسین طباطبائی

همچنین یکی از طلاب درباره سعه‌صدر و صبوری علامه سیدمحمدحسین طباطبائی (۱۲۸۱-۱۳۶۰) نقل می‌کند: کتباً از محضر علامه مطلبی را سؤال کردم، ایشان پاسخ داد. مجدد همان سؤال را پرسیدم، باز جواب داد. بار سوم همان پرسش را مطرح کردم و به جواب ایشان اشکال کردم. آن مرد بزرگ برای مرتبه سوم با کمال تواضع جواب را به خط مبارک خود مرقوم داشت و فرستاد (مختاری، ۱۳۸۵، ص ۲۹۹).

### ۳-۶. تشویق و امیدبخشی

یکی دیگر از کارهایی که علما در نشر اخلاق علم انجام می‌دادند، تشویق و امیدبخشی به طلاب بود. یکی از کارهای مهم **آیت‌الله بروجردی** در جلسات درس، تشویق طلاب کوشا و بااهتمام بود. بنابراین با دادن جایزه‌های نقدی به طلاب، ضمن قدردانی از آنها، باعث ایجاد انگیزه برای سایر طلاب می‌شد (حسینیان، ۱۳۸۱، ص ۳۸۴-۳۸۵).

**آیت‌الله خوئی** نیز در مناسبت‌های گوناگون از شاگردان فاضل خود نام می‌برد و مقام و فضل آنان را می‌ستود. وقتی دانشمندی نوشته ارزشمندی را به ایشان هدیه می‌داد، ایشان برای تشویق و بزرگداشت وی، تفریظی برای آن کتاب می‌نوشت (مهرابی رزوه، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۳۳۷).

### ۳-۷. نظم و استفاده بهینه از زمان

یکی دیگر از مؤلفه‌های اخلاقی مهم نزد علما اهمیت دادن به نظم و زمان است.

### ۳-۷-۱. آیت‌الله سید حسین بروجردی

درباره نظم **آیت‌الله بروجردی** آمده است:

ایشان معتقد بودند: حوزه‌های علمیه باید از هر نظر منظم باشد. لذا برای اولین بار جمعی از علما را به‌عنوان هیأت حاکمه تعیین کردند تا اگر خلاف اخلاق از طلبه‌ای مشاهده شود، به سراغ او بفرستند، نخست او را با نصیحت و موعظه از اشتباهش برگردانند و در صورت عدم تأثیر، شدت عمل به خرج دهند. حتی در صورت لزوم او را از قم اخراج کنند تا رد غبار بی‌نظمی و بداخلاقی او بر دامان حوزه علمیه ننشیند (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۵۶).

البته ایشان به سبب مشغله بسیار که نتیجه مرجعیت و اداره شئون امت اسلامی بود، گاه چند دقیقه با تأخیر به

جلسه درس می‌آمد و شاگردان به انتظار ایشان می‌نشستند. یک روز ایشان کمی بیش از حد معمول تأخیر کرد. وقتی وارد کلاس شد، یکی از حاضران اعتراض کرد و گفت: وقت ما ضایع می‌شود. *آیت‌الله* برورجری فرمود: چرا وقت خود را ضایع می‌کنید؟! من دوازده جزء قرآن را در اوقات انتظار حفظ کرده‌ام. شما هم همین کار را بکنید و دقایق انتظار خود را با حفظ آیات قرآنی پر کنید! (غیائی کرمانی، ۱۳۸۵، ص ۴۰؛ مهتدی بحرانی، ۱۳۷۸، ص ۹۰).

### ۲-۷-۳. آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی

*آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی* (۱۳۰۵ تاکنون) نیز درباره پدر بزرگوارش *آیت‌الله سید احمد زنجانی* (۱۲۷۰-۱۳۵۲) نقل می‌کند که ایشان از اوقات خود خیلی استفاده می‌کرد و در دقایقی که معمولاً افراد هدر می‌دهند، کارهای فراوانی انجام می‌داد، به گونه‌ای که وقتی مادرش از دنیا رفت، تصمیم گرفت هر روز یک جزء قرآن برای مادرش بخواند. بعد از مدتی، به خودش می‌گوید: پدرم چه گناهی کرده است که برای او قرآن نمی‌خوانم؟ بنابراین تصمیم می‌گیرد هر روز دو جزء قرآن بخواند، منتهی این دو جزء را در وقت‌هایی که هدر می‌رفت، تلاوت می‌کرد (شبیری زنجانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۵۴۶).

### ۳-۷-۳. امام خمینی

در سیره حضرت امام راحل (۱۳۲۰ق) نیز توجه به نظم در زندگی کاملاً مشهود بود، به گونه‌ای که نقل می‌کنند: کارکنان منزل امام در نجف اشرف از حرکت و سکون و خواب و بیداری و نشست و برخاست ایشان درمی‌یافتند که چه ساعتی از شبانه روز است (روحانی، ۱۳۵۹، ص ۱۱۸).

*حجت‌الاسلام/ایروانی* نقل می‌کند: در یکی از سفرهایمان به عراق، با عده‌ای از فضلا، طلبه‌ها و دانشمندان، پس از نماز مغرب و عشا در صحن حرم امیرالمؤمنین علی<sup>علیه السلام</sup> نشسته بودیم و با هم صحبت می‌کردیم. وقتی صحبت‌مان تمام شد و آقایان خواستند بروند، ساعت را نگاه کردند. ساعت صحن حرم حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> دو و نیم را نشان می‌داد و ساعت آقایان با ساعت حرم چند دقیقه اختلاف داشت. بنابراین اختلاف ساعت پیش آمد. در حال گفت و گو در این باره بودیم که حضرت امام از در قبله وارد صحن حرم شد. یکی از استادان نجف که در میان ما بود، گفت:

ساعت‌هایتان را میزان کنید! ساعت دو و سی دقیقه است. سیزده سال است که امام هر شب در همین ساعت وارد صحن حرم می‌شود. ورود امام خودش بهترین ساعت است (شعرباف، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۲).

### ۴-۷-۳. حاج شیخ یحیی انصاری دارابی شیرازی

در وصف حاج شیخ یحیی انصاری دارابی شیرازی (۱۳۰۶-۱۳۹۳ش) نیز آمده است: وی تلاش می‌کرد تا آخرین دقیقه به تدریس ادامه دهد و لحظه‌ای کم نگذارد. در شروع درس نیز مقید بود رأس ساعت آغاز کند و عملاً نظم را به طلاب آموزش می‌داد (انصاری قمی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۷۱).

## ۳-۸. مخاطب‌شناسی و نیازسنجی

یکی از روش‌های پسندیده اخلاقی علما، مخاطب‌شناسی است؛ زیرا طلاب و فراگیران دارای سطح درک و یادگیری متفاوتی از یکدیگرند. از این رو لازم می‌آید برای رعایت عدالت، آموزش‌ها و انتقال مفاهیم اخلاقی و تربیتی، متناسب با نوع مخاطب باشد.

## ۳-۸-۱. مرحوم سیدعلی قاضی طباطبائی

یکی از شاگردان مرحوم سیدعلی قاضی طباطبائی (۱۲۴۸-۱۳۲۵) می‌گوید:

آقای قاضی شبها در مجلس درس چراغ روشن نمی‌کردند و به همان تاریکی، بعضی از علمای نجف که اهل باطن بودند، به آن مجلس حاضر می‌شدند و غالباً صحبت در «معرفة النفس» بود و تهذیب اخلاق و صحبت عرفان هم می‌فرمودند، ولكن بیشتر در همان معرفت ذات انسان و خودشناسی بود و اگر ناشناسی وارد می‌شد، صحبت را تغییر می‌دادند و درباره زیارت سیدالشهداء<sup>علیه السلام</sup> صحبت می‌فرمودند و می‌گفتند که استعدادها مختلف است، هر حرفی را به هر کسی نمی‌شود گفت (ر.ک. مختاری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۷۸).

## ۳-۸-۲. شیخ محمدجواد مغنیه

تعلیم مبتنی بر نیاز مورد توجه دیگر علما نیز بوده است؛ چنان که درباره شیخ محمدجواد مغنیه (۱۳۲۲-۱۴۰۰ق) نقل می‌کنند: زمانی که ایشان دست به قلم برد، کتاب‌های جیبی و کوچک تألیف کرد. از ایشان پرسیدند: چرا شما کتاب‌های قطور و گران‌قیمت را رها کرده و به کتاب‌های جیبی و کوچک پرداخته‌اید؟ ایشان پاسخ می‌دهد: روزی از خیابان‌های بیروت عبور می‌کردم، دیدم جوانی در حالی که با یک دست ساندویچ می‌خورد، با دست دیگرش کتابی جیبی گرفته بود و مشغول خواندن بود. اگر کتاب بزرگ بود، نمی‌شد به راحتی از آن استفاده کرد. البته ایشان بعدها کتاب‌های بزرگ و قطور نیز تألیف کرد (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۵۰).

## ۳-۸-۳. حاج آقامجتبی کلهری تهرانی

در وصف حاج آقامجتبی کلهری تهرانی (۱۳۱۶-۱۳۹۱) نقل شده است: این عالم بزرگ در طول عمر پربرکت خود، خدمات فراوانی به جهان اسلام و عالم تشیع کرد و همواره منادی اخلاق و تقوا بود و شاگردان بسیاری در محضر ایشان پرورش یافتند. ایشان با افکار جوان‌ها آشنا بود و می‌دانست که با چه بیانی باید معارف را برای آنها بیان کند. همین سبب شد که اقبال جوانان هم به جلسات ایشان زیاد شود. چیزی که مهم است این است که ایشان با آن همه مقدمات و ابهت علمی، به جوانان و مسائل مربوط به آنان می‌پرداخت. درواقع ایشان با شناخت نیازی که در قشر جوان احساس می‌کرد، مخاطب خود را آنان قرار داد و به تعلیم آنان می‌پرداخت. کار ایشان بیانگر فداکاری، حسن نیت و اخلاص ایشان است (انصاری قمی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۲۶۳-۲۶۴).

## ۳-۸-۴. علی صفایی حائری

مرحوم علی صفایی حائری (۱۳۳۰-۱۳۷۸) نیز بر این باور بود که مربی باید در انتخاب روش تربیت، روحیه‌های



متربیان را بشناسد و بداند روشی که برای تربیت هریک به کار می‌برد متفاوت از دیگری است (صفای‌ی حائری، ۱۳۸۳، ص ۵۴).

### ۹-۳. رسیدگی به معیشت طلاب

رسیدگی به معیشت طلاب مسئله دیگری است که علما در کنار علم و علم‌آموزی بدان توجه داشته‌اند و شاید بهتر است گفته شود: یکی از نتایج علم مہذب، رسیدگی به طلاب و سروسامان دادن به زندگی آنهاست.

### ۱-۹-۳. میرزا آقا استهباناتی

نقل می‌کنند: یکی از مؤمنان از سید ابراهیم حسینی، معروف به میرزا آقا استهباناتی (۱۲۱۶-۱۲۸۶) می‌خواهد که منزل خود را به تجهیزات روشنایی برق مجهز کند. او در پاسخ می‌گوید:

وقتی همه طلاب از نعمت برق برخوردار شدند، من هم حرفی ندارم؛ فعلاً وظیفه من اقتضا می‌کند که با آنها در یک سطح یا پایین‌تر زندگی کنم (انصاری قمی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۳۴۷).

کمک به امر خانه‌سازی طلاب و مردم مستضعف، بیمه پزشکی، بهداشت طلاب و دادن وام قرض‌الحسنه از دیگر خدمات رفاهی است که شامل خانواده طلاب می‌شد.

### ۲-۹-۳. شیخ غلامحسین ترک تبریزی

نقل شده است: شیخ غلامحسین ترک تبریزی (۱۳۰۳-۱۴۰۰) اهل خیر بود و شخصاً به افراد بی‌بضاعت، به‌ویژه ایتم کمک می‌کرد و از حال آنان تفقد می‌نمود. وی به کمک مرحوم سیدجواد خامنه‌ای (۱۲۷۴-۱۳۶۵)، پدر مقام معظم رهبری، در مشهد «مدرسه دارالتعلیم دینی» را تأسیس کرد. همچنین «مدرسه جعفریه» را برای طلاب ساخت و ۲۵ سال بیمه پزشکی و بهداشت طلاب مشهد را برعهده گرفت (همان، ص ۴۰۱-۴۰۲).

### ۱۰-۳. صمیمیت و اظهار محبت

پایه شکل‌گیری ارتباطات و دوام آن مبتنی بر اصل «محبت و مهربانی» است. این ویژگی در علما و مجالس درس آنها به خوبی مشهود است.

### ۱-۱۰-۳. آیت‌الله سیدروح‌الله موسوی خمینی

حضرت امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸) در این باره می‌نویسد:

مهرورزی به موجودات و هدایت آنان از لوازم محبت الهی است؛ زیرا صفات و افعال و آثار محبوب، محبوب است (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۵).

### ۲-۱۰-۳. علامه سیدمحمدحسین طباطبائی

یکی از شاگردان علامه طباطبائی که مدت سی سال با ایشان مأنوس بوده، درباره خصوصیات اخلاقی آن عالم فرزانه می‌نویسد:

علامه انسانی وارسته، مهذب، خوش اخلاق، مهربان، عفیف، متواضع، مخلص، بی‌هوا و هوس، صبور، بردبار، شیرین و خوش مجلس بود.

ایشان نقل می‌کند: در این سی سال به یاد ندارم که در طول این مدت حتی یکبار عصبانی شده و بر سر شاگردان داد زده باشد یا کوچک‌ترین سخن تندى یا توهین‌آمیزی را بر زبان جاری سازد. خیلی آرام و متین درس می‌گفت و هیچ‌گاه داد و فریاد نمی‌کرد. خیلی زود با افراد انیس می‌گرفت و صمیمی می‌شد. با هر کس، حتی کوچک‌ترین فرد طلاب چنان انیس می‌گرفت که گویا از دوستان صمیمی اوست (امینی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۳-۱۲۴).

### ۱۱-۳. باریک‌بینی و دقت نظر علمی

معیار شایستگی علمی دارا بودن دو بال «تعهد» و «تخصص» است؛ یعنی علاوه بر مراقبت‌های اخلاقی، انسان باید از دانش و دقت نظر نیز برخوردار باشد. هر دو مقوله نزد علما حایز اهمیت بوده است.

#### ۱-۱۱-۳. آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد

در این خصوص درباره آیت‌الله سیدمصطفی محقق احمدآبادی معروف به محقق داماد (۱۳۲۴-۱۳۸۸) نقل شده است: اگرچه ایشان بیان خوبی نداشت، ولی دقت نظر و ریزه‌کاری مطالب ایشان بسیار خوب بود (شیرینی زنجانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۵۴).

#### ۲-۱۱-۳. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی

در رابطه با آیت‌الله عبدالله جوادی آملی نیز نقل می‌کنند: ایشان دارای استعدادی وافر، تیزهوش، باریک‌بین و نکته‌پرداز، خلاق و صاحب نفوذ کلام است (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۵۸۲). سایر علما نیز از چنین ویژگی برخوردار بوده‌اند که برای اجتناب از اطاله کلام از ذکر آنها صرف نظر و به همین موارد اکتفا می‌کنیم.

### ۱۲-۳. عدالت

مؤلفه اخلاقی «عدالت» آن قدر مهم است که علمای اخلاق آن را از امهات فضایل اخلاقی دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷). هر جا بحث از تنوع باشد، مقوله عدالت اهمیت بیشتری می‌یابد. علما نیز بر این مسئله واقف بودند و می‌کوشیدند در مجالس درس خود تا آنجا که می‌توانند عدالت را رعایت کنند و حق کسی ضایع نگردد.

#### ۱-۱۲-۳. آیت‌الله سیدحسین بروجردی

نقل می‌کنند: برای تشخیص صلاحیت مدرسّی از طرف شاه، کسی مأمور رسیدگی به امور امتحانات طلاب شد. او در امتحان گرفتن سختگیر بود و در این باره تعدد داشت تا طلبه‌ها رد شوند. وقتی آقایان دیدند بنای مأمور دولت بر

سختگیری است، تصمیم گرفتند روز قبل از امتحان هر درس، به طلبه اطلاع دهند که قسمت مورد نظر را مطالعه کند و فردا از همان جایی که راهنمایی کرده بودند، سؤال می‌پرسیدند که طلبه رد نشود.

مرحوم حاج آقا رضا زنجانی (۱۲۸۱-۱۳۶۲) نقل می‌کند: *آیت‌الله حائری* به من فرمود: دلم می‌خواهد شما به‌عنوان ممتحن در جلسه آقایان شرکت کنید. ایشان عرض می‌کنند: من به *آیت‌الله بروجردی* عرض کردم: اگر مرا معاف بدارید، مناسب‌تر است. ایشان علت را پرسید. عرض کردم من نمی‌توانم به طلبه‌ای که صلاحیت قبولی ندارد، نمره قبولی بدهم و ممکن است به طلبه‌ای نمره رد بدهم و خلاف میل آقا باشد. ایشان فرمود: خدا شاهد است حتی راضی نیستم به مرتضای ما هم نمره زیادی بدهید. هرچه حشش بود، همان نمره را بدهید (شبیبری زنجانی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۴۹۹).

### ۲-۱۲-۳. شهید علی قدوسی

در وصف شهید علی قدوسی (۱۳۰۶-۱۳۶۰) نقل می‌کنند: ایشان مقید بود بین یک طلبه گمنام و یک آقا‌زاده فرقی نگذارد و مقررات مدرسه را در حق همه به‌طور یکنواخت اجرا کند. به همین علت، از پذیرفتن هدایایی که به‌دنبال توقعات بود و ممکن بود موجب مسامحه در اجرای مقررات نسبت به صاحب هدیه شود، خودداری می‌کرد.

رد هدیه معمولاً برای انسان مشکل است و نوعی بی‌احترامی تلقی می‌شود و احياناً موجب کدورت‌هایی می‌گردد و از نظر شرعی و اخلاقی هم ناپسند است. هدیه اگر انتظارهای بیجا به‌دنبال داشته باشد، انسان را به بردگی می‌کشاند و گیرنده هدیه خود را نسبت به هدیه‌دهنده مدیون می‌داند و درصدد جبران برمی‌آید. از این‌رو این هدیه به حساب نمی‌آید، بلکه نوعی رشوه است که به‌صورت هدیه داده می‌شود تا طرف را نرم کند و کاری را که ضوابط اجازه نمی‌دهد به حکم روابط انجام دهد. از این گذشته، گاهی هدیه‌دهنده چنین قصدی ندارد، اما انسان در خود احساس می‌کند که با پذیرفتن هدیه - ولو به‌صورت ناخودآگاه - بین او و دیگران فرق می‌گذارد و شیطان از این طریق در او وسوسه می‌کند تا تبعیض ناروا قایل شود. اینجا هم پذیرفتن هدیه رجحانی ندارد.

از همین‌رو هدیه پدر یکی از طلاب را که قریب نیم‌کیلو زعفران بود، نپذیرفت؛ زیرا می‌دید اگر بپذیرد و فردا پسر او بیاید و مرخصی بخواهد، یا چند نمره کم بیاورد، مشکل است با او همانند دیگر طلاب برخورد کند (مختاری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۱۳).

### ۳-۱۳. آزادمنشی و آزاداندیشی

یکی از مسائلی که علما را بسیار ناراحت می‌کند، انفعال طلاب در کلاس درس است. آنها معتقدند: طلاب نباید در مجلس درس، مستمع محض باشند، بلکه باید به درس استاد، اشکال و نقد وارد کنند و بتوانند نظر بدهند. در واقع، یکی از مهم‌ترین امتیازات حوزه علمیه این بوده که طلبه‌ها در مجالس درس آزاد بوده‌اند به سخنان استاد نقد و

اشکال وارد کنند، نظر بدهند و از آن دفاع کنند. این کار موجب می‌شود استاد ناچار گردد در برخی مسائل، مدتی توقف کند و به حل اشکالات و جواب ایرادات بپردازد. نتیجه این رفت و برگشت‌های علمی، هم برای استادان مفید بوده و هم برای طلاب؛ زیرا از یک سو، موجب بالا رفتن قدرت تفکر و تحقیق آنها می‌شده و از سوی دیگر، زمینه رشد و تعالی آنها را فراهم می‌ساخته است (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۰۰).

*آیت‌الله جوادی آملی در وصف حضرت امام راحل می‌گوید:*

سیره حضرت امام خمینی علیه السلام آن بود که شاگردان وی آزاد بارآمده و مستقل باشند؛ زیرا خود آزادمنش و مستقل بود (جمعی از محققان، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۵۷۹).

### ۱۴-۳. رعایت ادب و احترام

از جمله ویژگی‌های اخلاقی علما که نمود بیرونی بسیاری نیز داشته، متانت و رعایت ادب آنها بوده است.

#### ۱-۱۴-۳. آیت‌الله سیدحسین بروجردی

حاج میرزا حسین نوری (۱۲۸۱-۱۲۱۷) در وصف آیت‌الله بروجردی می‌نویسد:

در این چندسالی که این‌جانب در خدمت ایشان بودم، هرگز ایشان را بدون عمامه یا قبا ندیدم. همیشه به‌صورت دو زانو می‌نشستند و هیچ‌گاه آن مرحوم را در حال نشستن، غیر از این حالت ندیدم. ایشان از درد پا، بسیار ناراحت بودند. لذا آقایان پیشنهاد کردند هنگام درس که روی منبر قرار دارند، دو زانو نشینند و پاها را روی پله پایین‌تر منبر قرار دهند. ایشان با تعجب فرمودند: «چطور ممکن است این کار را انجام بدهم؟ آقایان نشسته‌اند، آقایان تشریف دارند». روی همین حساب در منزل کرسی کوچکی گذاشته بودند که ایشان در حضور مراجعان بتواند پاهایش را دراز کند (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۳۷۹).

#### ۲-۱۴-۳. آیت‌الله سیداحمد شبیری زنجانی

همچنین آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی نقل می‌کند که پدر بزرگوارش به دو سبب مقید بود در جایی که آیت‌الله بروجردی نشسته است، ننشیند:

اول اینکه آیت‌الله بروجردی خیلی مؤدب بود و دوزانو می‌نشست و پدر بنده ناراحتی پا داشت. حاج آقای والد می‌گفت: اگر بخواهم در کنار آیت‌الله بروجردی دوزانو بنشینم، درد پا دارم و برای من خیلی سخت است و اگر دوزانو ننشینم و آیت‌الله بروجردی مؤدبانه دوزانو بنشیند، خلاف ادب است.

دوم اینکه نشستن در کنار آیت‌الله بروجردی آرزوی خیلی از افراد بود. حاج آقای والد می‌گفت: بگذاریم آنهايي که دلشان می‌خواهد و هوس این‌جور چیزها را دارند و دلشان با این خوش می‌شود، آنجا بنشینند (شبیری زنجانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۴۹۳).

### ۳-۱۴-۳. علامه طباطبائی

یکی از شاگردان علامه طباطبائی نیز درباره علاقه و احترام فراوان ایشان به استادش مرحوم سیدعلی قاضی طباطبائی می نویسد:

من یک روز به علامه عطر تعارف کردم. ایشان عطر را گرفته و تأملی کردند و گفتند: دو سال است که استاد ما مرحوم قاضی رحلت کرده‌اند و من از آن وقت تا به حال، عطر نزده‌ام و تا همین زمان اخیر نیز هر وقت بنده به ایشان عطر می‌دادم، در آن را می‌بستند و در جیبشان می‌گذاشتند و ندیدم که ایشان عطر استعمال کنند، با اینکه از رحلت استادشان ۳۶ سال می‌گذشت (حسینی تهرانی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵).

### ۴-۱۴-۳. علامه حسن حسن‌زاده آملی

علامه حسن حسن‌زاده آملی (۱۳۰۷-۱۴۰۰) نقل می‌کند:

بنده حریم اساتید را بسیار بسیار حفظ می‌کردم. سعی می‌کردم در حضور استاد به دیوار تکیه ندهم. سعی می‌کردم چهار زانو بنشینم. مواظب بودم حرفی را زیاد تکرار نکنم. چون و چرا نمی‌کردم که مبادا سبب رنجش استاد شود. یک روز محضر آقای مهدی الهی قمش‌های نشسته بودم، خم شدم و کف پای ایشان را بوسیدم. ایشان برگشتند و به من فرمودند: «چرا این کار را کردی؟!». گفتم: من لیاقت ندارم که دست شما را ببوسم. برای بنده خیلی مایه مباهات است. خب، چرا این کار را نکنم؟ (گلی زواره، ۱۳۷۴، ص ۴۰).

### ۴. فعالیت‌های فرهنگی حوزه علمیه در باب اخلاق علمی

توجه به مسائل فرهنگی و اخلاقی همچون اقدامات زیرساختی (مثل تأسیس مدارس علمیه، کتابخانه‌ها و نیز رسیدگی به معیشت طلاب) از جمله اقداماتی است که به‌نحو غیرمستقیم در ارتقای سطح اخلاق در فضای حوزه نقش داشته است.

#### ۴-۱. اقدامات آیت‌الله حاج‌شیخ عبدالکریم حائری

با اقامت آیت‌الله حاج‌شیخ عبدالکریم حائری در قم و تأسیس حوزه علمیه، گام‌های مناسبی توسط ایشان و دیگر استادان در این زمینه برداشته شد تا این حوزه بتواند در ردیف بزرگ‌ترین حوزه‌های علمیه جهان تشیع قرار گیرد. سجایای کریمه و اخلاق حسنه ایشان با آن مقام علمی، شهره ایران شد و به‌سرعت از هر گوشه و کنار، داوطلبان علم و فضیلت به قم آمدند و از محضر ایشان و دیگر استادان بهره‌ها بردند (شریف رازی، ۱۳۷۳، ص ۲۳).

آیت‌الله حائری پس از تأسیس حوزه، دست به اقداماتی زد که برای نمونه، می‌توان به تعمیر مدارس دینی و تغییر روش‌های آموزشی اشاره کرد که منجر به تحولی عظیم در آن فضا گشت. توجه به تزکیه و شئون اخلاقی، آن قدر حایز اهمیت بود که آیت‌الله بروجردی در اواخر سال ۱۳۲۵ش به‌واسطه شیخ محمدتقی فلسفی، واعظ شهیر به شاه پیام داد: چون زمینه برای لایحه اجباری کردن تعلیمات ابتدایی فراهم شده است، تعالیم دینی نیز باید در کنار تعلیمات ابتدایی گنجانده شود و شاه با این مسئله موافقت کرد (حسینیان، ۱۳۸۱، ص ۴۱۲).

- وی همچنین با ارسال نامه به متولیان امر برای ترویج احکام شریعت در مدارس با محورهای ذیل اقدام نمود:
۱. وزارت فرهنگ در تمام مدارس نسبت به تعلیم و تربیت فرزندان کشور بنا به اصول دینی و پایبند شدن اطفال به مذهب جعفری، مراقبت خاص مبذول دارد و برای دروس شریعات و تعلیم فضایل اخلاقی، معلمان باتقوا و متدین را انتخاب کند و به تدریس بگمارد و در تمام شهرها علمای اعلام و حوزه‌های علمیه موظفانند با ادارات فرهنگ محل، برای ایراد سخنرانی‌های دینی و اخلاقی در مدارس به صورت افتخاری همکاری کنند.
  ۲. دروس دینی و شریعات در امتحانات داخلی و نهایی مدارس، جزو مواد ضروری و اساسی شناخته شود.
  ۳. در تمام مدارس، صبح‌ها چند آیه از قرآن تلاوت و برای حفظ استقلال کشور دعا شود.
  ۴. در هر مدرسه یک اتاق فرش شود و حکم مسجد را داشته باشد و هر روز نماز ظهر و عصر در مدارس خوانده شود.
  ۵. برای سالمندان، سخنرانی‌های دینی و مذهبی برگزار شود و کارگران و کسبه و اصناف به این مجامع دعوت شوند (جعفریان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۶۸).

#### ۲-۴. اقدامات شهید علی قدوسی

شهید آیت‌الله علی قدوسی (۱۳۴۶ق) از دیگر علمایی است که خدمات قابل توجهی در این باره داشته است. یکی از اقدامات درخشان ایشان تأسیس «مدرسه حقانی» است. ایشان با همکاری برخی از استادان برجسته انقلابی حوزه علمیه، در پی تغییرات بنیادی در ساختار اداری- آموزشی حوزه علمیه قم برآمد. به همین سبب، همراه با دیگر علما تصمیم گرفت نقشه خود را ابتدا در مدرسه‌ای آغاز نماید تا پس از موفقیت، آن را در سراسر حوزه‌های علمیه به اجرا درآورند.

از این‌رو در سال ۱۳۴۳ با مدیریت آیت‌الله قدوسی و با همکاری شهید محمدحسین بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰)، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و آیت‌الله احمد جنتی (۱۳۰۵ تاکنون) «مدرسه حقانی» آغاز به کار کرد. حضور و غیاب در کلاس، برگزاری امتحانات و پیگیری مدام رشد علمی- اخلاقی طلاب از امتیازات این مدرسه بود. آیت‌الله قدوسی همیشه طلبه‌ها را به تهذیب اخلاق سفارش می‌کرد و هر هفته در درس‌های اخلاقی، خطبه‌های روح‌بخش امام علی (ع) را برای طلبه‌ها، از حفظ می‌خواند و با صدایی لرزان و چشمانی گریان، طلاب را با اوصاف پرهیزگاران آشنا می‌ساخت (همان، ص ۵۸۱-۵۸۴).

امروزه مدارس متعددی در جهت پیشبرد همین اهداف تربیتی تأسیس شده‌اند و مشغول پذیرش و تربیت طلاب هستند.

#### ۳-۴. تأسیس «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی»

پس از انقلاب اسلامی، اقدامات تربیتی، به‌ویژه با نظارت حوزه علمیه قم در محیط‌های آموزشی بیشتر گسترش

یافت. بخشی از این وظیفه در قالب نهادهای مربوط به روحانیت در مدارس سر و سامان یافت و برخی نیز در دانشگاه‌ها و محیط‌های آموزش عالی. تشکیل نهادی با عنوان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی» در سال ۱۳۵۸ و حضور نمایندگان رهبری در این اتحادیه و فعالیت‌های گسترده دانش‌آموزی از نمونه‌های این حضور است.

#### ۴-۴. تأسیس «نهاد رهبری» در دانشگاه‌ها

«نهاد رهبری» نیز از سوی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، وظیفه مدیریت فرهنگی و اخلاقی و توسعه و ترویج اخلاق و فرهنگ علم‌آموزی را در دانشگاه‌ها به عهده دارد.

#### ۴-۵. تأسیس «معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه»

در حوزه‌های علمیه نیز تشکیل «معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه» بخش مهمی از وظایف اخلاقی و توسعه اخلاق علمی را به عهده دارد که در کنار سیره و روش علمای اخلاق، به توسعه اخلاق علمی مبادرت ورزیده است.

#### ۴-۶. تأسیس مدارس خاص

در کنار این فعالیت‌های فرهنگی، تشکیل مدارس زیر نظر نهادهای حوزوی از یک‌سو و تشکیل مدارس غیر انتفاعی زیر نظر علما و زعمای حوزه از سوی دیگر به توسعه اخلاق علمی در محیط‌های آموزشی کمک کرده است. برای نمونه، مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان دخترانه و پسرانه در «مجتمع فرهنگی- تربیتی توحید» به مدیریت حجت‌الاسلام و المسلمین فرهادیان (۱۳۲۷ تاکنون) و یا مدارس دخترانه و پسرانه زیر نظر حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان (۱۳۴۴ تاکنون) و حجت‌الاسلام و المسلمین تراشویان (۱۳۵۰ تاکنون) از نمونه فعالیت‌های علمی حوزه علمیه در رشد اخلاقی در حوزه‌های دانشی است.

### نتیجه‌گیری

با تمرکز بر منابع موجود و میراث مکتوب علمای حوزه در یکصد سال اخیر، با منابع و متونی مواجه هستیم که مسائل و مباحث حوزه اخلاق دانشوری را منعکس نموده و با دید اخلاقی به طرح مسائل حوزه و فضای تعلیم و تعلم پرداخته‌اند که نکات قابل توجهی به‌همراه دارد:

نخست اینکه در سیره و رفتار علمای اعلام و استادان حوزه در باب اخلاق علمی، هم در حوزه فضایل اخلاقی و هم در حوزه عملکرد اخلاقی، شاهد گزارش‌هایی قابل توجه هستیم. در حوزه فضایل اخلاقی شاهد محبت، عدالت، حلم، ایثار، نظم و دیگر فضایل هستیم و در حوزه عملکرد اخلاقی در موقعیت‌هایی همچون تدریس با همه محدودیت‌ها و مشکلات پیش روی علما، ایشان عملکرد اخلاقی ممتازی را ایفا کرده‌اند. این مسئله به‌ویژه در معاشرت استادان حوزه با شاگردان در فضای درسی و غیردرسی قابل توجه و تحسین است.

دوم اینکه توجه و تلاش اجتماعی و فرهنگی حوزه علمیه در یکصد سال اخیر برای توسعه اخلاق علمی قابل

توجه است. این مهم با تأسیس مدارس خاص تعلیمی و سنتی آغاز گردید و با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ با یک جهش معنادار در توسعه اخلاق و تربیت در نظام‌های آموزشی، به‌ویژه آموزش و پرورش و آموزش عالی بوده‌ایم. این در حالی است که خود حوزه علمیه، به‌ویژه در چهل سال بعد از انقلاب اسلامی، سعی بر توسعه اخلاقی در همه شئون داشته است. مهم‌ترین شاهد آن آثار و فعالیت‌هایی است که حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب در گسترش فضای اخلاقی و توسعه این مراکز داشته است؛ اهمی که در برخی موقعیت‌ها نیازمند تلاش و برنامه‌ریزی بیشتر است و جدیت و پیگیری مداوم حوزه و علمای اعلام را می‌طلبد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

- امینی، ابراهیم، ۱۳۶۱، *یادنامه علامه طباطبائی*، قم، شفق.
- انصاری قمی، ناصرالدین، ۱۳۸۸، *اختران فضیلت*، قم، دلیل ما.
- ، ۱۳۸۵، *اختران فقاقت (زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری)*، قم، دلیل ما.
- ، ۱۳۸۳، *علمای قم*، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی.
- بوستان کتاب، ۱۳۸۲، *مجله حوزه (بینه‌داران حقیقت، مصاحبه‌های مجله حوزه با عالمان و دانشوران حوزوی)*، قم، بوستان کتاب.
- جعفریان، رسول، ۱۴۰۰، «صدسالگی حوزه قم»، در *مجموعه مقالات به مناسبت صدساله شدن حوزه علمیه قم*، قم، حوزه علمیه.
- جمعی از محققان، ۱۳۷۷، *ستارگان حرم*، قم، زائر.
- ، ۱۳۸۷-۱۳۹۳، *گلشن ابرار، زندگی اسوه‌های علم و عمل*، قم، طه، ۸ جلد.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *مبای اخلاق در قرآن*، تحقیق حسین شفیعی، چ ششم، قم، اسراء.
- ، ۱۳۸۹، *تسنیم*، تحقیق عبدالکریم عابدینی، چ دوم، قم، اسراء.
- حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *مهر تابان*، چ دوم، مشهد، علامه طباطبائی.
- حسینیان، روح‌الله، ۱۳۸۱، *بیست‌سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران*، تهران، اسناد انقلاب اسلامی.
- خامی، علیرضا، ۱۳۸۳، *داستان‌هایی از علماء*، قم، مهدی‌یار.
- دوانی، علی، ۱۳۵۴، *حاج شیخ عباس قمی؛ مرد تقوا و فضیلت*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ، ۱۳۷۹، *مفاخر اسلام*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رخشاد، محمدحسین، ۱۳۸۸، *در محضر بهجت*، قم، مؤسسه فرهنگی سما.
- روحانی، حمید، ۱۳۵۹، *تحلیلی از نهضت امام خمینی*، قم، دارالفکر - دارالعلم.
- ریاحی، محمدحسین، ۱۳۹۶، *اریاب معرفت: زندگی نامه، اندیشه‌ها و سیره عملی علامه فقید حاج آقا رحیم اریاب*، تهران، جاودانه.
- سراج انصاری، حاج‌مهدی، ۱۳۸۳، *روز در قم، طلایه داران تفریب (۷)*، تهران، مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی.
- سعادت‌مند، رسول، ۱۳۸۹، *آیین دانشوری در سیره امام خمینی*، قم، تسنیم.
- سیدناصری، حمیدرضا و ستوده، امیررضا، ۱۳۷۸، *پارهای از خورشید: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی شهید مطهری*، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- شبیروی زنجانی، سیدموسی، ۱۳۹۸-۱۳۹۳، *جرع‌های از دریا*، قم، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه (مؤسسه تراش‌الشیعه)، ۴ جلد.
- شریف رازی، محمد، ۱۳۵۲-۱۳۷۴، *گنجینه دانشمندان*، تصحیح سیدهدایت‌الله مسترحمی، تهران، اسلامیه، ۹ جلد.
- ، ۱۳۷۳، *آثارالصحیح یا تاریخ و دانه‌المعارف حوزه علمیه قم*، قم، برقی.
- شرفی، احمدحسین، ۱۳۸۸، *آیین زندگی (اخلاق کاربردی)*، چ چهل و هفتم، قم، معارف.
- شعراف، رضا، ۱۳۷۸، *سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی*، چ دهم، تهران، پیام آزادی.
- صفایی‌حزازی، علی، ۱۳۸۳، *مسئولیت و سازندگی*، قم، لیلة القدر.
- غیائی کرمانی، سیدمحمدرضا، ۱۳۸۵، *قصه‌ها و خاطره‌ها*، قم، نجابت.
- قاسمی، مرتضی، ۱۳۸۰، *علم درایه، رجال و تراجم*، کاشان، محتشم.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.
- گلی زواره، غلام‌رضا، ۱۳۷۴، *منظومه معرفت*، قم، قیام.
- محمدی‌اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۹، *خورشید حوزه‌های علمیه: آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی امام عصر.
- مختاری، رضا، ۱۳۶۷، *سیمای فرزندان*، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ، ۱۳۸۵، *سیمای فرزندان*، چ پانزدهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مفید محمدین محمد، ۱۴۱۳ق، *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی، قم، الموترالعالمی لالیقه الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، اسرار عقبماندگی شرق، قم، نسل جوان، ۱۳۷۰.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۷، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته.
- میهندی بحرانی، عبدالعظیم، ۱۳۷۸، *قصص و خواطر*، قم، نوید اسلام.
- مهرابی رزوه، داود، ۱۳۹۶، *رفقارهای انسان‌ساز (از پارسایان اسوه)*، قم، پژوهشگاه باقرالعلوم رحمته.
- نجفی قوچانی، محمدحسین، ۱۳۷۸، *سیاحت غرب*، تهران، پل.
- هدف، ۱۳۶۷، *حوزه علمیه، مردی بزرگ از خطه فارس: شرح حال جامعی از آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی*، قم، مطبوعاتی هدف.

## "Ethics of Learning" in the Scientific Works and Practical Life of Religious Scholars of the last Century of Qom Seminary

Zahra Awatafi / PhD in Islamic Studies

Avatefi95@gmail.com

Received: 2024/04/23 - Accepted: 2024/04/29

### Abstract

The period between the arrival of Ayatollah Haeri to Qom and the establishment of the seminary in 1340 A.H. and the present time, which has been a hundred years, can be examined from different perspectives. In this research, an attempt has been made to pay attention to the actions of seminary scholars regarding scientific ethics. Based on the systematic study of the works and behavior of Qom seminary scholars, some issues such as paying attention to morals in the academic environment, respecting the students, following up on the students' conditions and problems, and observing politeness in speech and deeds are obvious in their academic style. The reflection of these efforts can be observed in the four axes of scholars' writings about the ethics of science; speeches and sermons about the moral rules of teaching and learning; the methods and ethical encounters of scholars with students (the moral conduct of scholars) and the cultural and ethical activities carried out regarding the ethics of science. Using the descriptive-analytical method, this research is a historical explanation of the above-mentioned issue.

**Keywords:** The ethics of learning science, scientific works and the lives of religious scholars, the last century, the Qom seminary.